

بحران هویت در جامعه‌ی معاصر ایران

رویکردی تاریخی، تجربی

تألیف:

دکتر اسداله بابایی فرد

عضو هیات علمی دانشگاه کاشان

انتشارات چاپخش

۱۳۹۲

سرشناسه	:	بابایی فرد، اسدالله، ۱۳۵۳
عنوان و نام پدیدآور	:	بحران هویت در جامعه معاصر ایران: رویکرد تاریخی، تجربی / تألیف اسدالله بابایی فرد
مشخصات نشر	:	تهران: چاپخش، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	:	۴۳۲ ص
شابک	:	978-600-6799-11-7
وضعیت فهرست نویسی	:	فیبیا
موضوع	:	هویت
موضوع	:	هویت گروهی
موضوع	:	هویت (روان شناسی) -- ایران
موضوع	:	ایرانیان -- هویت نژادی
موضوع	:	مسائل اجتماعی -- ایران
رده بندی کشره	:	۱۳۹۲ ۳ب/۲۳۶BD
رده بندی دیویی	:	۱۱۱/۸۲
شماره کتابخانه ملی	:	۳۳۴۵۷۸

به نام خدا



بحران هویت در جامعه معاصر ایران

رویکردی تاریخی، تجربی

تألیف: دکتر اسدالله بابایی فرد

(عضو هیأت علمی دانشگاه)

حروفچینی: غفاری - لیتوگرافی: الوان - چاپ و صحافی: پژمان

چاپ اول: ۱۳۹۲ - شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰.۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات چاپخش

ناشر برگزیده و عضو انجمن فرهنگی ناشران کتاب دانشگاهی

نشانی: تهران، میدان انقلاب، بازارچه کتاب، پلاک ۱۲

تلفن: ۶۶۴۰۴۱۱۰ فاکس: ۶۶۴۹۳۴۷۵

صندوق پستی: ۱۳۱۴۵-۱۷۳۷

ISBN: 978-600-6799-11-7

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۹۹-۱۱-۷

فهرست مطالب

پیش‌گفتار	۹
۱. بحران هویت، یک مسأله‌ی انسانی - اجتماعی جهانی	۱۵
اهمیت و ضرورت بررسی جامعه‌شناختی پدیده‌ی بحران هویت	۱۵
تعریف مفاهیم و اصطلاحات کلیدی	۳۳
۲. برخی از زمینه‌های جهانی بحران هویت	۸۳
۱. افول نقش اجتماعی مذاهب در هویت‌بخشی به انسان‌ها و تحقق نظم و همبستگی اجتماعی	۸۴
۲. جهانی شدن پدیده‌ها و مسائل انسانی - اجتماعی و پیوند یافتن آسیب‌های اجتماعی جوامع به همدیگر	۹۳
۳. برانگیخته شدن تعارض ارزش‌ها در سطح جهانی به دنبال گسترش رسانه‌های ارتباطی بین‌المللی	۱۰۳
۳. چهار چوب نظری پژوهش درباره‌ی بحران هویت	۱۱۷

۴. بررسی جامعه‌شناختی بحران هویت در جامعه‌ی معاصر ایران ۱۴۳

- ۱۴۳ بحران هویت در گستره‌ی تاریخ معاصر ایران
- ۱۷۳ عوامل اجتماعی مؤثر بر بحران هویت در جامعه‌ی معاصر ایران
- ۱۷۵ ۱. جهانی شدن پدیده‌های انسانی - اجتماعی
- ۱۹۴ ۲. وجود تعارض‌های سیاسی بین دولت و جامعه
- ۲۰۷ ۳. تعارض‌های بنیادی تاریخی در درون نظام فرهنگی
- ۲۰۹ ۴. فقدان نهادهای مدنی
- ۲۱۲ ۵. وجود شکاف‌های اجتماعی
- ۲۱۷ ۶. غرب‌گرایی و نفوذ فرهنگی غرب
- ۲۱۹ ۷. فراهم نیامدن زمینه‌های اجتماعی کثرت‌گرایی فرهنگی
- ۲۲۸ ۸. ضعف بنیان‌های فکری - فرهنگی جامعه در رویارویی با فرهنگ‌ها و ارزش‌های بیگانه

۵. بحران هویت در ایران: نتایج برخی یافته‌های تجربی ۲۳۹

- ۲۸۱ ۶. راهکارهای رویارویی با پدیده‌ی بحران هویت
- ۲۸۲ ۱. به‌کارگیری رویکردهای علمی جهت شناخت درست بحران هویت
- ۲۸۳ ۲. رویارویی آگاهانه با پدیده‌ی جهانی شدن
- ۲۹۹ ۳. واگذاری بخشی از هویت‌سازی به نهادهای آموزشی و فرهنگی
- ۳۰۲ ۴. کنار گذاشتن تقابل‌های تصنعی میان مذهب، ملیت و قومیت
- ۳۱۸ ۵. کنار گذاشتن نگرش تک‌بعدی به هویت اجتماعی و رویارویی آگاهانه با تکرر قومی و فرهنگی

۶. پدید آوردن نهادها و تشکلهای مدنی و حمایت از آنها در
راستای تکوین دموکراتیک هویت‌های فردی و اجتماعی

۷. بازسازی و تجدید حیات عناصر معنابخش به زندگی
فردی و اجتماعی

۸. تدوین سیاست‌های فرهنگی متناسب با شرایط جهانی شدن از
سوی نهادهای رسمی و غیررسمی

۹. ایجاد وحدت، انسجام و همگرایی بین نیروهای سیاسی و
اجتماعی مؤثر در سیاست‌گذاری فرهنگی

۱۰. تقویت بیان‌های فکری - فرهنگی جامعه توسط
نهادهای اجتماعی

۷. نتیجه‌گیری ۳۶۱

منابع فارسی ۳۶۹

منابع انگلیسی ۳۸۶

واژه‌نامه‌ی فارسی - انگلیسی ۳۹۱

واژه‌نامه‌ی انگلیسی - فارسی ۳۹۸

فهرست نام‌ها ۴۰۵

فهرست اصطلاحات ۴۱۷

پیش‌گفتار

این تحقیق مبنی بر این فرض اساسی بوده است که جامعه‌ی معاصر ایران همواره عرصه‌ی چالش‌های فکری و فرهنگی، کشمکش میان ارزش‌های گوناگون و در نتیجه، بحران هویت^۱ بوده است. هدف اساسی این تحقیق بررسی جامعه‌شناختی این پدیده در جامعه‌ی معاصر ایران بوده است. در این تحقیق گفته شده است که بحران هویت پدیده‌ای جهانی است که به ویژه در عصر جدید در بسیاری از جوامع انسانی ظهور کرده است. به منظور نشان دادن اهمیت این پدیده گفته شده است چنین پدیده‌ای می‌تواند نظم و همبستگی اجتماعی را به خطر انداخته و حتی سبب فروپاشی اجتماعی شود. از سوی دیگر، چنین پدیده‌ای می‌تواند سد راه پیشرفت و توسعه‌ی جامعه شود. بنا به چنین دلایلی، بررسی جامعه‌شناختی آن دارای ضرورت و اهمیت تلقی شده است. در این تحقیق به علت اعتقاد به پیچیدگی مسائل و پدیده‌های انسانی - اجتماعی، از چند چهارچوب نظری استفاده شده است، با وجود این، استفاده از رویکرد کارکردگرایی ساختی تالکوت پارسونز در اولویت قرار گرفته است. با بهره‌گیری از این رویکرد چنین فرض شده است که اگر در جریان تبادل انرژی و اطلاعات میان

خرده‌نظام‌های جامعه اختلال به وجود آید، بحران هویت در جامعه پدیدار خواهد شد. با توجه به چنین رویکردی، گفته شده است که ایران در دوران معاصر درگیر بحران هویت بوده است. در تبیین چنین پدیده‌ای گفته شده است که همگرایی عوامل اجتماعی داخلی و خارجی سبب ظهور آن شده است. با این حال، در این تحقیق، عوامل اجتماعی داخلی بروز بحران هویت دارای اهمیت بیش‌تری تلقی شده‌اند.

به طور کلی، اگر در قرون گذشته، و به عبارتی در بخش اعظم تاریخ بشر، فلاسفه مدعی و متولی تعریف ماهیت اشیاء، انسان و جهان بودند، در قرون جدید دانشمندان تجربه‌گرا چنین وظیفه‌ای را به عهده گرفتند. در قرون جدید، به دنبال گسترش روش‌های تجربی در عرصه‌ی تمامی رشته‌های علمی، و به ویژه استقلال یافتن آن‌ها از فلسفه - که در گذشته مادر علوم نامیده می‌شد - علوم تجربی چنان قدرتی یافتند که توانستند بخش مهمی از رویکردهای فلسفی و انتزاعی درباره‌ی اشیاء، انسان و جهان را از عرصه‌ی حیات علمی کنار بگذارند و تحقیق تجربی درباره‌ی آن‌ها را جایگزین آن رویکردها کنند. صرف نظر از پیامدهای فلسفی استقرار روش‌های تجربی در عرصه‌ی علوم، به ویژه چالش‌هایی که در مواجهه با جهان‌بینی‌های دینی در ارتباط با ماهیت اشیاء، انسان و جهان پدید آوردند، مسلماً چنین روش‌هایی دارای چنان دستاوردهایی برای انسان معاصر بوده‌اند که در طول تاریخ بشری سابقه بوده است. در این زمینه دانشمندان علوم انسانی نیز، تحت تأثیر روش‌های علوم طبیعی، نقش مهمی در تعریف عینی انسان (چه در شکل فردی و چه در شکل اجتماعی‌اش) ایفا کردند. این دانشمندان تعاریف عینی و ملموس از انسان و جامعه و آسیب‌های آن‌ها را جایگزین تعابیر و تعاریف فلسفی یا انتزاعی کردند.

پیشرفت علمی مانند روان‌کاوی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی و دیگر علوم انسانی در سطحی بسیار گسترده و بی‌سابقه مرسوم به کارگیری روش‌های تجربی در این علوم بود. در علوم انسانی نوین به جای ارائه‌ی تعابیر

و تعاریف انتزاعی از انسان و جامعه و آسیب‌های آن، از تعابیر و تعاریفی استفاده می‌کنند که لااقل بخش مهمی از آن‌ها دارای عینیت بوده و سنجش‌پذیراند. در همین راستا، دانشمندان علوم اجتماعی نیز تلاش کردند به گونه‌ای از هویت انسانی - اجتماعی سخن بگویند، یا آسیب‌های آن را به گونه‌ای تبیین کنند، که نظریات‌شان با معیارهای علوم تجربی مطابقت داشته باشند. به کار بستن چنین رویه‌ای، عینیت، دقت و سنجش‌پذیری نظریات آن‌ها را بیش‌تر کرد و بدان جا انجامید که شناخت انسان معاصر از خویش و جامعه‌اش به طور بی‌سابقه‌ای گسترش یافت. با وجود این، چنین شناختی هزینه‌هایی نیز برای انسان معاصر به همراه داشته است. انسان معاصر در پرتو دانش‌های نوین جبرایت بیش‌تری در طرح سؤال از ماهیت خود و ارزش‌هایی که به آن منتسب است یافته است، در حالی که در قرون گذشته طرح چنین سؤال‌هایی و پاسخ به آن‌ها عمدتاً محدود به فلاسفه و دیگر متفکرانی می‌شده است که نسبت به کل جمعیت بشر انگشت شمار بوده‌اند. به دنبال طرح چنین سؤال‌هایی از سوی انسان معاصر است که بحران هویت در عصر جدید به مسأله‌ای فلسفی، روان - شناختی و جامعه شناختی تبدیل می‌شود. به‌ویژه، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان این پدیده را از مهم‌ترین مسائلی می‌دانند که می‌تواند نقش مهمی در اختلال روابط فردی - اجتماعی یا گسیختگی انسجام هویت فردی - اجتماعی داشته باشد. دنیای مدرن، به تعبیر آن‌ها، هم قدرت ساختن هویت فردی - اجتماعی و هم قدرت ویران‌گری آن را دارد. این قضیه‌ای است که آن‌ها با در نظر گرفتن دستاوردهای مدرنیته و تأثیرات آن در سطح کلان جوامع معاصر مطرح می‌کنند. به طور کلی، آن‌ها عمدتاً مسأله‌ی بحران هویت را از منظر تخصص خود می‌نگرند، هر چند در سال‌های اخیر نوعی هم - گرایی در میان آن‌ها در تبیین این پدیده به‌وجود آمده است.

امروزه در عرصه‌ی جامعه‌شناسی بحران هویت به عنوان یک مسأله‌ی اجتماعی^۱ مطرح شده‌است؛ با وجود این، این پدیده اساساً برای اولین بار در علم روان‌شناسی، از سوی اریک اریکسون مطرح شد. اریکسون بحران هویت را عمدتاً نوعی آسیب روانی تلقی می‌کند که به دنبال هم‌گرایی عوامل روانی - اجتماعی پدیدار می‌شود. با وجود این، وی اهمیت بیش‌تری برای عوامل فردی - روانی نسبت به عوامل اجتماعی در بروز این پدیده قائل است. پس از اشاعه‌ی این اصطلاح در علم روان‌شناسی، برخی از دانشمندان علوم اجتماعی، به ویژه جامعه‌شناسی، این اصطلاح را وارد ادبیات علوم اجتماعی کردند. از آن جا که این دانشمندان پدیده‌های انسانی را بر اساس عوامل اجتماعی تبیین می‌کنند، در زمینه‌ی بروز بحران هویت و پیامدهای آن اولویت را به عوامل اجتماعی می‌دهند. از نظر آن‌ها یکی از مهم‌ترین شاخص‌های بحران هویت، تعارض ارزش‌ها در سطح کلان (جامعه) است و عدم کنترل چنین پدیده‌ای می‌تواند انسجام اجتماعی یا هستی جامعه را مورد تهدید قرار دهد.

بنابراین، امروزه بحران هویت به عنوان یک مسأله‌ی اجتماعی مطرح شده است که دارای زمینه‌ها و پیامدهای اجتماعی است و به نظر جامعه‌شناسان در تمامی جوامع معاصر به اشکال مختلف وجود دارد. با در نظر گرفتن چنین واقعیتی است که جامعه‌شناسانی مانند آنتونی گیدنز^۲ و مانوئل کاستلز^۳ مبحث هویت اجتماعی، تحولات و آسیب‌های اجتماعی آن را به عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث جامعه‌شناختی مطرح کرده‌اند. این جامعه‌شناسان پدیده‌ی بحران هویت را عمدتاً در پرتو پدیده‌ی جهانی شدن^۴ پدیده‌ها و امور اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به دنبال توسعه‌ی ارتباطات انسانی

-
1. Social Problem
 2. Anthony Giddens
 3. Manuel Castells
 4. Globalization

در دنیای مدرن مورد بررسی و تبیین قرار می‌دهند؛ در عین حال، جامعه‌شناسانی مانند کاستلز بر زمینه‌های ملی (داخلی) این پدیده نیز تأکید دارند و در این زمینه برخی تعارض‌های ارزشی در جوامع معاصر را نشان می‌دهند که تحت‌تأثیر عوامل داخلی شکل گرفته‌اند. با وجود این، بیش‌تر جامعه‌شناسانی که امروزه این مسأله را مورد توجه قرار داده‌اند، آن را معلول هم‌گرایی و روابط دیالکتیک عوامل اجتماعی داخلی و عوامل فراملی (جهانی) می‌دانند. به طور کلی، این تحقیق، ضمن بررسی و تبیین جامعه‌شناختی بحران هویت در جامعه‌ی معاصر ایران، بازتابی است از دلبستگی محقق به تمامی عناصر هویتی موجود در جامعه‌ی ایران، و، همچنین، دل‌نگرانی وی نسبت به شرایط اجتماعی حاکم بر تکوین هویت‌های فردی و اجتماعی در این مرز و بوم. تمامی تلاش‌های محقق در این تحقیق معطوف به بازنمایی علمی و غیرجانبدارانه‌ی پدیده‌ی بحران هویت در جامعه‌ی معاصر ایران بوده است. این تحقیق، علی‌رغم چنین تلاش‌هایی، دارای نقص‌ها و کاستی‌هایی نیز هست و چنین نقص‌ها و کاستی‌هایی باید توسط پژوهشگرانی که نسبت به مسأله‌ی هویت اجتماعی در ایران و آسیب‌های آن علاقه‌مند و دل‌نگران‌اند جبران شوند. مسلماً چنین تلاش‌هایی می‌توانند زمینه‌های لازم را برای تکوین آگاهانه و آزادانه‌ی هویت‌های فردی و اجتماعی در این مرز و بوم فراهم آورند.